

گرددش و صرف نامار و اندک استراحتی با مسیور نفوس بدیدن و رقه مبارک که تشریف بردند در مراجعت برای جمعی از دوستان فرمایشات مبارک در شرائط تبلیغ امر الله از جمله این بود که در انسان اول باید خود را تبلیغ نماید خود منجذب و منقطع باشد تا نفس او در دیگران تأثیر کند و اگر آنکه بقدر طلب و استعداد و عطش هر نفسی با او تکلم نماید هر وقت تشنه می یافت سبیل هدایت را میزدول دارد اما اگر آن خدیو ایم این جواهر نهمه را از زبان میفروшим اجبای الطمی این امر عظیم را بجانفشانی قبول نمودند در زریز بنجر و شکنجه و عذاب و فسادند لذا سبیل هدایت ایشانگان دهند چه اگر کسی تشنه نباشد ولو هر قدر آب گوارا یا بدابدالت نبرد انتهی انب منزل مسیور و مادام در نفوس بارنی مجلس سفته گی بجهائیان بود فرمودند شما بروید من خیلی خسته ام حال آنکه این گفتگو ندارم روز ۳ جمادی الاخر (۱۰۱۰ مای) صبح عرائض اجبای کلیفورنیا

بخصوص انور تقدیم شد همه بشارت انتشار کلمه الله بود و پیشرفت امر الله و اوصاف و نفوت طلعت میثاق الله فرمودند و در به بنید چه شور و ولوله می از تأثیر میثاق جمال الهی در نفوس افتاده چگونه عهد و پیمان قلم عالی سبب جمع شمل اجبا و اعلا کلمه الله شده جمال مبارک این عهد و میثاق را برای توت امر الله و نفوذ کلمه الله در شرق و غرب دنیا گرفتند اگر این عهد و پیمان نبود میدیدید چگونه جمع اجبا پریشان و ناراحت الله خواش میشد و امر الله از اذمان فراموش میگشت بعضی نفوس همچو تصور کردند که جمال مبارک ملاحظه پدیری و فرزند می فرموده اند نمیدانند که توه میثاق ابراهیم نثر امر الله و نصرت کلمه الله قرار فرموده اند انتهی امثال این بیانات را اکثر با کمال سلطوت و همینه میفرمودند و بسیار در باره مس گو دال مس کو پراظهار عنایت میکردند تا آنکه در مجمع نهقی مفضل

در خصوص عقائد صوفیه فرمودند که حق را بحر و موجودات را امواج و اشباح گویند اما انبیای اهل
 حق را مقدس از حلول و حدود دانند و آن نطق مبارک بمعنی سخن گوهر قاف و اصطلاحات متصورین ختم
 شد و بعد الواحی در جواب عرائض اجبای امریک غرض دریافت از جمله بافتخار و دستان در نور از
 لسان اطهر این کلمات مقدمه نازل هو الله در خصوص اعانه مدرس تربیت سوال نمود بودید تعاضد
 و تعاضد از اساس دین الله است شرق باید اعانت غرب نماید غرب باید اعانت بشرق کند
 و در لوج فردت پرت صادره مرقوم نموده بودید که خدمتی با نخبین ارتباط شرق و غرب نمایند البته
 باید شرق و غرب بیکدیگر معاونت نمایند علی الخصوص مدرس تربیت اجبای شرق معاونت
 مشرق الاذکار امریکان نمودند با وجودیکه در نهایت تنگدستی بودند با انقلاب داخلی اگر از اجبای
 غرب نیز معاونتی بمدرس تربیت طهران گردد البته سبب درست انهمی و در همان روز مهتمه الله
 مسرین مال و بعضی مبلغ پانصد فرانک تقدیم حضور نمود قبول نفرمودند چون خیلی اصرار و تماس کرد
 فرمودند بواسطه دکتور مودی برای مدرس تربیت طهران ارسال شود عصر نوبت رشید پاشا و دیدن
 مادر سیو در نیوس شریف بردند و چون مراجعت نمودند فرمایشاتی در خصوص تأییدات البته در سفر
 کلیفورنیا میفرمودند بعد در ذکر بعضی از پرورشها و معلمین اروپا فرمودند که اغلب محض دستنچین زبان
 مشهور میشوند و در زمره اهل علم و دانش بشمار میروند بعضی واقعا عالمند اما بعضی دیگر محض شهرت -
 روز جمعه جمادی الاخر (۱۱۱۱ مای) صبح در اوطاق صالحین جالس و از درب عمارت
 خیابان کلبر را ملاحظه مینمودند و ذکر افکار عالیله اهل امریکا در مسائل صلح و صلاح میفرمودند بعد عرائض
 اجبای ایران تقدیم شد فرمودند من مکاتیب ایران را نمیخوانم اما فرصت جواب ندارم از اول سفر

نوشتم که اجبای ایران درین ایام مسافرت ما را معذور دارند هر کسی تصور میکند که من فقط با او
 مرسله دارم اگر بخوام جواب جمیع را بنگارم ممکن نیست اجبا باید گفت باشند که من باید با جمیع
 عالم مکاتبه نمایم بعد جمعی اجباب مبتدی با حاضر محضر خود وعطا گشتند و نطق مبارک بر ایشان
 شرحی در خصوص آئینه طبیعت بود و آئینه انسانیت که در آئینه ثانی انوار فضائل و کمالات عالم
 انسانی جلوه نماید و چنانکه در عالم طبیعت منازعه بقا است و این وسیله ترقی و نشوونمای شایسته
 در عالم روح کمالات انسانیه است و این قانون سبب ترقی ارواح و کتاب فیوضات روحیه
 عالم طبیعت به نسبت به آن زندانست و مانع آسایش فکر و آزادی وجدان انسان در عالم طبیعت
 اسیر خورد و خواب است اسیر فسادهای طبیعت است محبوس حرص و طمعت مبتلای کذب و جعل است
 از این حالات و صفات مضره مانند غضب و نخوت و ظلم و خیانت نجات و آزادی ممکن است
 زیرا اینها نقائص عالم نبات است ولی در خواب و خور و امثال اینها انسان مجبور است چه لازم
 حیات است و اعتدال آن مند و مؤید اکتساب کمالات روحانیه و وصول مقامات باتیه اسرار
 و ظلمات جعل و جفا و غفلت و عمی است که انسان را ذلیل میکند بقوه روحانی انسان میتواند
 خود را ازین اسارت آزاد نماید بقواین الهی ازین مهالک نجات یابد ظلمانی است نورانی
 شود مرده است زنده گردد و کور است بینا شود محدود است نامحدود گردد اما چون مساعی
 نفوس مختلف است لذا یکی بزرمت با نیت تمام میرسد یکی بطول زمان و یکی بقوه ایمان فوراً
 منقلب میشود اینست که حضرت بهشت میفرماید قدمی بردار و قدم دیگر بر عالم قدم گذار همچنین
 میفرماید در عالم روحانی و ملکوت الهی زمان و مکان نیست زیرا اوقات و حدود امور است

اعتباری مثل شرق و غرب جنوب شمال پس و نهار ماه و سال اینها جمیع به نسبت بکره ارض است نه
شمس سماء همچنین است جهان الهی و ملکوت رحمانی و حیات ابدی که در او زمان و مکان و فوق
اوقات حد و دست نیست که حضرت مسیح فرمود من آلام در آسمانم پس حقائق مجروده اگر چه در
عالم محدودند لکن آزاد از جمیع قبود از حیث جسم مانوس خورد و خوابند اما از جهت روح منزله
و مستغنی از جهان تراب چه جمیع این شئون فانیه به نسبت بان مراتب باقیه بشایه بلعنه صبیانت
و چون نفوس مقدسه ناظر بان مقام بودند هنگام جانفشانی الهی بیکل جهانی ندادند الی آخر بیان
الأعلى عصر فرمایشات مبارک بجمعی در دوستان اروپائی و ایرانی حکایات سختی و شدت ایام
اخیره در عکاد و مدافع مفریات مفیدین و خسران معاندین و ذلتشان در اندک زمانی بود پس از
مجلس سواره در بعض خیابانهای پاریس بود یولون سیر مینودند و بیاناتی در خصوص سفر مبارک
بمغرب زمین مفصل میفرمودند که در خواستم من موفق شوم و سفری با طراف عالم نمایم و ندانم ملکوت
ابھی کسوم در نه است به بعد از این نفوسی قیام با نخدمت خواهند نمود و بتأییدات غیبیه مویند
خوانند شدک
روزه جمادی الاخر (۱۲۱ مای) صبحگاه هنگامیکه جا
تناول میفرمودند اظهار خشکی از هجوم افکار مینمودند که در هر دی هزار سفر دارم و پس از تضحیح
الواج و اوراق و تهیه پست بعضی از دوستان مس استنار و مشرف شدند فرمودند فی تحقیقه
مس استنار و کارکن و طالب خدمت نوع انسان است بعد ذکر دوستان آلمان و مجامع استنکارت
بامسرتی فوق العاده می فرمودند که اجای آلمان نورانی هستند اگر کسی آنها را خراب کند خیلی
ترقی خواهند کرد بعضی از اهل سکاکنند مشرف شدند لهذا از ایام اقامت مبارک در ادین بورتک

حکایت و از آنجهای انجا اظهار انبساطی فرمودند علی مخصوص از رئیس نخبین نیاسنهای آن شهر
 فرمودند «و بعضی از نفوس آنچه از کاس عرفان می نوشند بل من مزید میگویند بعضی بکس بدین
 سراب خود را سیراب میدانند و اظهار استغنا مینمایند مانند بنی اسرائیل در یوم ظهور مسیح انسان
 باید دائره اطلاعش وسیع باشد و در هر حال طلب آگاهی نماید هر چه بنوشد نشسته تر شود نه آنکه
 بیک جوعه اظهار استغنا کند» (بعد حکایات نخبیل و بیانات حضرت مسیح را در خصوص ضیافت آن
 امیر و گرفتاری مدعوین و تخم افشانی نارح و فراری از حقایق فرمودند یکی از حضار سؤال از آیات
 انجیل کرد که از چند نام جمعی خوردند و باز باقی بود فرمودند) خود مسیح میفرماید منم نامان حیات پس
 آن ماده کمالات و فیوضات آسمانی بود و آن طبقها نفوس مطهره حواریان آن بود که ماهی گریه را
 پطرس کبر نمود و واسطه حیات روحانی بشر کرد نظر بان فیوضات بود که مسیح فرمود پترو من
 است و من در شما مانند جلوه آفتاب در مرآه صافیه آن ماده را حواریان بواسطه طهارت
 نفس و عقل و روح نبوت و روح القدس خلق بخشیدند (سؤال از تبدیل نمودن آب بشراب کردند
 فرمودند) معانی شرع قدیم را حضرت مسیح نشسته و اثر جدید داد الی آخر بیان الی در مجمع عصر
 مادام ریشار و بعضی از اجبار انجیل و تحریص بر نطق در مجامع و هدایت نفوس میفرمودند که توه
 روح القدس هر ضعیفی را قوی نماید بپسند قوم ذلیل اسرائیل را چگونه عزیز نمود ما همگی را شهیر افاق
 کرد قبائل جاهل بادیه العرب با خلفاء فی الارض گردانید پس شما نظر باستعداد خود نمائید بپسند
 و فریاد بر آید ای اهل پاریس بیدار شوید که شمس حقیقت درخشیده و شیار شوید که نسیم عنایت فریز
 باهتر از آئید که عالم انسانی بمرکت آمده بر خیزید که ملکوت الهی ظاهر گشته آگاه شوید که نفقات

روح القدس احاطه نموده الی آخر بیا نه الاصلی بعد رشید پاشا و جناب وزیر مختار ایران تشریف
حاصل نمودند و حکایات مفصله در تاریخ امراتش و سفر مبارک ببلاد امریکا وارد پاجمیت ایشان
میفرمودند روز عجمادی الاخره ۱۳۰۵ مای قبل از تشریف اجا حکایت

حواریان بعد از شهادت حضرت مسیح میفرمودند که یک اجتماع در بالای کوه نمودند و در قبول طلبایا
و ترک راحت و نشر هدایت مجدد شدند چون از کوه سر از برگشتند هر یک بطرفی رفت و برگشت
جمع در اطراف قیام بر دعوت بلکوت الله کردند این تأثیرات عظیمه همه از ان اجتماع ظاهر شد
و چون بعضی از عوائل امریکا ترجمه و تقدیم شد و از نظر انور گذشت فرمودند و در امراتش محفل
سری نباید باشد و لو امر و زنفوسی بغرض و خالص این محفل با نائیس بنمایند لکن آینده سبب رخنه
در امراتش و عنوان و بجهانه ترویج اغراض شخصیه میشود و مانند کورس سلام ظاهر و باطن درست بنمایند
و بطواهر و اسرار قابل میشوند و در میان اهل بها باین عنوانها اختلاف و تفرقه می اندازند آهتی
آن روز در جمع نطق فرمودند بلکه یک یک دو دو نفوس احضار نموده با آنها صحبت میفرمودند
و هر یک بسؤال و جواب و تشریف خصوصی مفتخر و تمباهی و آخر هنگام مرضی بعضی از آنها می فرمودند
که در اول امریکه نفوس بان مکلفند تحقیق و تخری در حقایق امورات انسان واجب است که کتب
کشف هر حقیقتی باشد تا بهر رمزی پی برد و هر شکلی را آسان نماید چه که عالم خلقت بجزت بکران
و در عمق آن لسانی و جواهر گرانها مستور چون تمتق و تخری شود از حقائق و دقائق امور اطلاعات
مفیده حصول پذیرد و نتایج عظیمه مشهور گردد؛ بعد از گردش و تمدد و عصا شنبه بفرمان
صالون شده چای تناول میفرمودند که چند نفر ایرانیان محترم با سرکار..... بشرف حضور مشرف گردیدند

و از نطق و بیان مبارک در مسائل هستیه فرج و سرور موفور جنبند و چون ذکر ایران بیان آمد
 بسیار غایت در باره حضرت قائم مقام مرحوم فرمودند از جمله بیان مبارک این بود که «اگر
 قائم مقام بود ایران را احیا می نمود، قلوب از استیاء بیانات مبارک محترم و صد در شرح تا با نیایش
 خضوع و خشوع مرقض شدند و وجود اظهر برای دیدن بعضی از دوستان محترم بیرون تشریف
 بردند و آن شب هم غذای مبارک قدری نان و شیر بود و بس»

روز ۷ جمادی الآخرة (۱۴۱۱ مای) پس از اوراد و اذکار چون تشریف فرمای صالون شده
 چای میل می نمودند می فرمودند نان و شیر از هر غذائی سالم تر است جمال مبارک می فرمودند در تمام
 سلیمانیه غذای من اغلب شیر و گاهی شیر برنج بود، بعد بصدور و نزول الواح بدیعه در جواب ائمه
 جناب ای امریکه مشغول شدند تا جمعیت اجبا حاضر و لسان مبارک در تشویق و تحریص ایشان بر تشریفاتی
 ناطق که بجهت نفوس قیام نماید کوران را بنیاد و کران را شنوا کنید مرده مارا زنده و گنگان را
 گو یا سازید اگر باین امر خطیر قیام کنید چنان تا میدانی یا بید که خود حیران مانید الی آخر بیان اصلی
 چون دوستان همه با نهایت استرازد و هیجان مرقض شدند عزم گردشی سواره فرمودند جناب
 قائم مقام و بعضی از اجبا و قدام ایرانی هم در رکاب مبارک بودند در بین راه می فرمودند که در دو رکعت
 آلمان و اطیش و هنگاری من بیمار بودم و بی نهایت مشغول با وجود این خیلی قلمم سرور بود اما حال
 در پاریس تا آنکه احوالم خوبت و مشغولیت کمتر دلم تنگ میشود، چون کالسکه مبارک به بود بولون،
 رسید حکایاتی از ایام مازندران و طهران فرمودند و در نخل پیاده شده سیر میکردند زیرا با بلوه
 و شکوه بود و هوا معتدل درختها پر شکوفه چمنها و جنگلهای سبز و خرم آب دریاچه در مقابل آفتاب چمن آئینه

شگاف و براق و قابلهای روی آب میزنمود منظر بسیار با لطف و صفائی بود میفرمودند و در آن محل
 جمیع اشیا در آنها درجه نهایش و لطافت که نتیجه و کمال خلقت آنهاست مشهودند مگر این بسیار
 بشری که از کمال و نتیجه حیات خود دور و مبهودند و چون بهائیم محشور و نظری چنان دیده میشوند
 که آنها برای خدمت عالم مادی خلق شده اند نه مادیات برای خدمت و ظهور کمالات عالم انسانی
 وقت عصر از هر قبیل نفوس در راحت غایت مشرف بودند و بیشتر بیانات و فرمایشات مبارک
 بمناسبت سؤال بعضی از حضار در فرق بین مسائل صوفیه و مقاصد انبیای الهیه بود و تقدیرات
 باری از امثال و اشباح و اثبات وجود واجب و ترکیب عناصر و اجزاء فردیه باراده حتی قدیر
 و عجز و نقص عالم طبیعت و شرح این بیان که «فلاسفه هم هر یک توه و یا حقیقت کلیه را مصدر
 کائنات گویند با انبیا اختلافشان فقط در اینجاست که انبیای گویند آن حقیقت کلیه و جهت
 جامع غنی مطلق مدرك و مختار باراده است اما فلاسفه آن را فقیر و غیر مدرك و عاجز دانند
 اختلافشان در صفات و کمالات اوست که فلاسفه آن توه معنویه و کمال مطلق را باور ندارند
 اما انبیا عجز موجودات او را و راک که ذات شرح دهند که ان کیسینوت قدم با دراکات
 عالم حدوث محد و نشود و عدم احساس ناس را دلیل بر فقدان کمالات مطلقه وجود واجب
 ندانند» خلاصه آن محفل و بیان مبارک بطول انجامید و بسبب تکثر حاضرین و آگاهی و
 خضوع طالبین گردید

روز ۸ جمادی الآخره (۱۵۱۵ مای) در مجمع

عمومی صبح نطق مبارک در خصوص بقای آثار نفوس روحانی و فنای ششون و امور دنیوی بود
 و بعضی از بیانات مبارک که انیکه در چه شد تا پلویون کجا هستند طوک لوز و اوریان و امثال آنان

مساعی و مقامات و زندگانی و حیات جمع مانند سراب بود فاعتبروا یا اولی الابواب ۱۱ در ختم
 مجلس اطفال ربیبیا نوازش نموده امر تربیت انھامی فرمودند کہ تربیت الھی تربیت ثنویہ مثل
 اینکہ حالا مادران از بدایت عمر بہ پسران میگویند باید اہل شروت شوید طیبوزگر دید جز این از کلام
 ذکر دیگر ندارند بیچ نیکویند صادق و امین باشید خدمت بعالم انسانی کنید تربیت روحانی سبب
 صیانت وجود و اعتدال در امور است ممکن است اطفال را چنان تربیت نمود کہ اعتدال در جمیع شئون
 داشته باشند و از صمیم قلب محبت نوع انسان گردند و میشود ہم چنان اہل گذارند کہ ارذل مخلوق
 شوند حال شما جامع اولاد من ہستید میخواہم شما تربیت الھی یا بید نورانی شوید الی آخر بیانہ الی
 کثر اطفال را نوازش نموده خیلی بانھا اظهار عنایت فرمودند مخصوص صبیئہ صغیرہ ستر نامی کہ بسبب
 ماؤنس بود و اکثر ایام در محضر انور سبب قسم و سر و طلعت مجبور ناما را منزل سینو و مادام در نقوی
 بارنی موعود بودند و عصر پس از تشریف بعضی از ماؤنس و صدور الواج بدیوہ بافتخار دوستان
 امریکا بجهت گنجش بیرون تشریف بردند و در یکی از مغازہ ماچای سفید خوبی بنظر مبارک رسیدہ
 قدری خرید فرمودند و در منزل مبارک بدست خود طبخ فرمودہ بخدمت حضور عنایت نمودند
 روز ۹ جمادی الآخرہ (دعا مای) صبح زود در حالتیکہ در اوطاق سالون مشی
 می فرمودند و از در شیشہ بعضی از عمارات شہر بنظر انور میر رسید لسان اطہر باین بابا عابیت
 ناطق بود کہ دو اگر اجبای الھی چنانچہ باید قیام کنند و بجالتی آیند کہ ہر کاب مصداق و اہل اورای
 وردا و حسدا و حالتی فی خدمتک سرمد اگر دو و بکلی در امر اندھم و فانی طوسے نمی کشد کہ
 جمیع امم را منتقل نمایند و لو در ہر شہری دو نفر مؤمن مخلص یافت شود کہ بکلی از خود بگذرند کفایت است

و بعد از جلوس و حکایت از خدمات حضرت سلطان الشهدا و محبوب الشهدا، و حضرت فتح اعظم
 و محویشان در ظل امراش و ذکر خلوص حضرت بابا لباب میفرمودند که در ماندن شب
 حضرت بابا لباب چون حضرت قدوس را دید و بیانات فضل و حکمت از لسان ایشان شنید
 فوراً مانند عبد ذیل بر خدمتش بر فاست علی الصبح اصحاب دیدند که حضرت بابا لباب با آنکه
 مرجع اصحاب و سرور اجاب بود با نهایت تعظیم در حضور حضرت قدوس دست بسینه استاده
 بقسمی که از حضورش گل حیران شدند (بعد شخصی از دوستان مشرف در جای اذن تشریف بجهت جوانی
 ایرانی که خود را نسبت با امر میداد نمود فرمودند) نگاه کن من اگر کسی صد خلاف بکند که ضرر آن شخص
 من راجع باشد چشمهایم بر هم می نیهم با او بطور محبت سلوک میکنم بدرجه ای که امر بر خود او مشتبه میشود
 اگر خیانت عظمی من کرده باشد چنان با او رفتار مینمایم که گویا این ترین نفوس است اما اگر ضرر
 با مراش رسد صبر نمی کنم شخصی خانه امر را خراب می کند من استاده می نیهم و او فالتش تلخ شود
 که چو در خوابی با من همراهی نمی کنی مرد که ؟ تو خانه امر را خراب میکنی توقع داری ابداً قلوب
 کدر نشود من میخواهم تو بر اثر قدم من مشی نمائی دلی میازاری با کل در صلح باشی اهل غماض
 شوی سب سرد نفوس گردی به من چه میکنم صبر مرا اگر سائرین نمیدانند تو میدانی با من
 بوده ای می بینی دشمنی چیز که انسان را خراب می کند هوی و هوس است همیشه دعا کنید که
 از آن دور باشید اگر مرگشته بودند بهتر بود تا مال مردم را بخورند زیرا این ضرر با من میرساند
 و آن میرساند الی آخر بیانه الاصلی و چون جمعیت کثیری بشرف تقاضا گشته محفل تشریف آنها
 بسؤال و جواب منتهی شد و قلوب از استماع نصح و مشفق و وصایای مبارکه متلوث شاد و سرگرد

از جمله سؤال از خوردن گوشت و ذبح حیوانات نمودند فرمودند «در وقتی بیان جمال مبارک این بود که اگر کسی حیوانات ذبح نکند و نباتات قناعت نماید هسته بهتر است ولی نهی نفرمودند زیرا ممکن نیست که انسان حیوانی نخورد چه که در هر آب و گیاه و میوه ای حیواناتی که انسان از خوردن آن ناگزیر است موجود نهایت ضعف و شدت دارد سؤال در چگونه گی معالیه و معاشرت با نفوس بی ادب و بد اخلاق کردند فرمودند «آن نفوس بر چند قسمند اشخاصی هستند آلودگی آنها بدرجه ای است که حشر با آنها غیر مفید بلکه مضر است البته از آن گونه نفوس دوری لازم است اما کسانی هستند بد خلاق و بد رفتار که اصلاح حال آنها ممکن است چندان نباید اجتناب نمود ولی معاشرت با آنها باید محض بیداری و آگاهی ایشان باشد و لکن مردمان بچو صله بی صبر با گذشت که نیت خیر دارند و لوسلوک ندارند البته نباید آنها را مبعوض دانست زیرا صاوتی نه کاذب آینه نه خاشن و قس علی هذا حال از آد مهای خوش اخلاق گفتگو نمایم که نور آینه و رحمانی با خلوص و خضوعند و با وفا و ثبوت خوش خو و مهربانند و مایه سرور دل و جان در شرق جهان هستند که جوهر وجودند شمع روشن بر آئینه مروج صلح و صلاح آینه و خیر خواه احزاب مل عالم خدا انسان را بصورت انسان خلق کرده که صفات و شیم رحمانی داشته باشد نه حرکات و طوائف حیوانات درنده انتمی از روز عصر بیاناتی با تبسم و مزاج در باره الهی پاریس میفرمودند از جمله بیان مبارک این بود که دو شما اهل پاریس را وقتی بهم که میخواهید برو عانیات هدایت و دلالت نمایند باید اول نغمه و ساز و محفل عیش و عشرت بپارائید و بعد از نغمه و آهنگ ملکوت آغاز نماید و الا گوش نمیدهند» و آن روز چون باران بود همگی اظهر از منزل مبارک پیچ بیرون تشریف دادند

و شب تا دیر وقت در صالون مشی میفرمودند و بذکر جمال ابی و یاد اجای طلعت سحر مشغول بودند
 روز ۱۰ جمادی الآخره (۷ مای) صبح چون جمعیت حاضر و محفل عمومی منعقد
 تشریف فرمای صالون شده نطقی در خصوص غفلت و احتجاب امام عالم در آیام ظهور مطالع فیض قدم
 فرمودند آخر مجلس شخصی سوالی در باره اشخاص نیکو کار کرد که آیا اگر مؤمن نشوند بکلی از رحمت اطمی
 بی نصیبند یا نه فرمودند و چون این ظهور ظهور فضل است لهذا اشخاص نیکو کار خوش رفتاری که
 مؤمن نیستند از فیض و فضل اطمی بی نصیب نخواهند بود یقین است شخص غیر مؤمن که دارای عمل صالح
 است بهتر از کسی است که مدعی محبت ایمان است و اعمالش حاکی از وساوس شیطان ولی
 کمال وقتی حاصل شود که عمل و ایمان توأم باشد و شخص نیک کردار ساعی و ریشه وحدت عالم انسانی
 و ترویج صلح و یگانگی بین امم و ملل عالم گردد البته این مقام عظیم است و شخصی خود امین باشد
 ولی باز محتاج قوه قاهره و کلمه نافذه‌ئی است که ترویج مراتب امانت و فواید مقامات و کمالات
 اخری در طبقات فرق و احزاب دنیا نماید قوه‌ئی باید که تأثیرش خارق العاده باشد کلمه مبارکه‌ئی
 که نفوذش شدید باشد نفوس را خلق جدید نماید تقییب ایهت کنند و لابد از برای هر امر
 مرکزی است مرکز این قوه قاهره منظر کلمه الله اطاعه و امر الله تعالیه است که بدون حسین و سیات
 نفوس را از قید ظلم و خیانت آزاد نماید هر کس در ظل آن کلمه مبارکه مستظل شود از صمیم قلبت خواه
 نوع بشر گردد نه از خوف سیات و زجر و ضرر اگر جاہل باشد در عمل با عالم برابری نماید و فوائد
 اعمالش از ساج رفقا را کثر عقلا در نظم عالم و تحمیل اخلاق امام برتری یابد و اینگونه تقییب قلوب
 بیح قوه‌ئی حاصل نشود جز بدیانت الهیه و تعالیم روحانیه انہی عصر اندوز نفوس عدیده در اوقات

مختلفه تشریف حاصل نمودند و مشروحی باینکه از زبان مبارک جاری در سلسله اقتصاد بود
چنانچه در سلسله اول این کتاب در شرح آیام دلبین تعالیم مبارکه رابع بانیمسلسله مفصل مرقوم شد
و نزدیک بغروب برای رفع خسته گئی گردش بیرون تشریف بزدند

روز ۱۱ جمادی الآخرة (۱۰۹۰ مای) جمیع مزاج می فرمودند که سواد را در آن

کنید اسباب چای را روی میز بچسبید مرد مقول باشبید از این قبیل بیانات مزاج
آمیخته بلا زمان حضور می فرمودند و همچنین فرمودند چای با سواد لکت دیگر دارد بعد ذکر
حضرت محمد مصطفای بغدادی و ثبوت و خلوص ایشان و انجبال عزیزشان بیاناتی مستر تخریر فرمودند
و چون آن روز یکشنبه بود جمعیت بیش از هر روز در صالون (پارلمان) منزل مبارک جمع
بودند وقتی که تشریف فرمائی جمع شدند اول در باره اطفال مادام مار و اظهار عنایت نموده
فرمودند اگر انسان خوب تامل کند میباید که تربیت عانی اطفال از صغر سن چه قدر آهسته
دارد آنچه در اوائل عمر مرکوز اذنان شود و مدتی طفل در آن نشو و نما کند چنان روحی
و قلبش نماید که طبیعت ثانویه شود علی الخصوص که بعد از بلوغ نیز در آن خط سیر و سلوک نماید
و در تربیت روحانی و شعول کمالات عنوی جهد و یمنع مبدول دارد و معاذ الله اگر در خلاق نشود
و نیات و افکار غیر ممدوحه نشود نما نماید و مدتی در آن بیاید از شامت و غفلت آن
تا عمری نجات نیابد و در افکار و اعمال مضره چنان معتاد گردد که شخصی در استعمال و یا شرب
افیون معتاد باشد زهر مصلحت را بر هر ماده لذیذی ترجیح دهد و تلخی را از هر گونه طعام شیرین
ببهرداند آهسته که در نزد آن نفوس شهید هدایت مذموم است چنانکه در روشنی آفتاب

پیش خفاش مشوم و یار آنکه گلشن و گلزار نزد شخص فرگوم نفس مسیانی چنان مردگانی را زنده نماید
 و باران ریح الهی شوره زار قلوب آنان را اثر و اثر نه بخشد. بعد نطقی مفصل مناسبت سوال
 مس مور که تازه از امریکا آمده بود در خصوص اراده فرمودند چندانکه رنجا چون گل زشت
 شوق خندان شد و دلها بی نهایت شادمان بعد از ظهر نظر بسیل و مذاکره بعضی از دوستان
 محترم ایرانی هنگام گردش میدان اسب دوانی تشریف بردند پس از چند دقیقه کت بازسوا
 شده به هتل مراجعت نمودند و فرمودند این گردشهای سواره کفایت نمی کند راه رفتن بهتر
 است هیچ نفر جی مثل مشی با قدم نیت سواری برای طی راه و منازل خوب است در وقت وقت
 و فرصت نه بجهت ریاضت و تقویت من اگر راه زوم هیچ میل نغذا پیدا نمی کنم. لهما با دکتر
 محمد خان بیرون تشریف بردند و خیلی گردش فرمودند آن شب مسیو و مادام رشارد تا نصف
 شب مشرف بودند و در مسائل متصوفین از هر مقوله فی مفصل صحبت فرمودند و در جوابیه سوا
 بیانات عالی و دلائل کافی از فم مطهر صادر میشد
 روز ۱۲ جمادی الآخره

(۱۹ مای) سحرگاه قبل از نی که جای سیل بفرمانند بعضی از عوامل نفس طهران و ذکر فساد میوتیهای
 فتنه جو بنظر انور رسید که بسبب تحریک فساد آنها دوستان طهران از انعقاد مجالس رتایم
 رضوان ممنوع شده بودند و چون این فساد بیشتر بواسطه صدر علمای ازلی در طهران بود
 که در امور سیاسی مداخله مینمود و هر روز شب با شورش و انقلابی می گشت لهما فرمودند
 عنقریب ریشه آن معاند پر خدعه و فریب کننده شود این مفندان گمان می کنند که مقاومت
 امرائیه میتوانند نمود. این خبر در بیان مبارک بطهران نوشته شد محض وصول هنوز بین جمیع

اجباب منتشر شده داخله وفاد او در امور سیاسی سبب شد که با مر وزارت جلیله داخله آن
 نابکار اخراج بدگشت و در بسیار راه خراسان و مشهد گردید بعد از آنکه چای میل فرمود مس
 مور شرف شده از مجامع اجبای نیویورک و نمایندگان بجهائیان بلا و امریکا که از هر جا
 برای مذاکره در امور مشرق الاذکار مجتمع بوده اند حکایت می نمود در فرمودند در شرف های امریکا
 ندای الهی بلند است مستقبل انجا خیلی خوب خواهد شد جمع امریکا روشن خواهد گشت اما در مجمع
 نطق و بیان مبارک بناسبت سوال خانمی مبتدی در خصوص مائده روح دستمرازان در کمال
 روحانیه بود که این کمالات باید در وجود تکمیل یابد قلوب حضار از معانی بیان گفتار طلعت
 پیمان بسیا منقلب شد بفسمی که خانم مشار ایها بگریه افتاد بعد از مجلس آثار ضعف و خستگی در پیش اکر
 مشهود بود لذا بیرون نشریف برده مشی میفرمودند تا در یکی از باغچه های داخل شهر روی نکت
 تکیه نموده فرمودند و تفکر در نعمات الهیه چه قدر سبب تذکرات و تذکره و سینه مقصر چه هوا
 و نسیم لطیفی است چه قواء و استعدادات عجیبی چه خوبت انسان قدر این نعمت ها را بدانند و شکر آن
 قیام نماید با داء و ظائف عالم انسانی و ترویج صلح و صلاح و رفاهیت و نجات عموم بندگان
 الهی پردازد تا عصر آن روز نفوسی از محترمین ایران یکی بعد دیگری تشریف جتند و از بیانات
 و مسائل طهیه هر یک درجه فی حالت تذکر حاصل نمودند و با کمال شکر مخصر گردیدند هنوز بعضی
 شرف بودند که چون روز مجلس و اجتماع بجهائیان در منزل میو و مادام هکات بود خدام حضور
 ز مجلس فرستادند و فرمودند من مجال و حال آمدن ندارم وقتی از مجلس خدام استان مرحبت
 نمودند و خبر انجذاب اجباب و نطق پر فوسری از دوستان پاریس بعضی قدس رسانیدند قلب

انور بسیار سرور شد فرمودند: همیشه خوش خبر باشید اخبار خوش را همیشه زودتر بنمایند
 و سبب سرور و انتباه قلوب گردد اما اگر بجهت نفسی پیام و خبر بدی داشته باشید در ابلاغ
 و مذاکره آن عجله ننمایید و سبب حزن طرف مقابل نشوید من وقتی خبر بدی برای شخصی دارم صریحا
 با او نمیکویم بلکه نوعی با او صحبت می‌کنم که چون آن خبر را می‌شنود صحبت من مایه تسلی او می‌گردد
 اقول شب بمنزل امه الله مس سدرین تشریف بردند بسیار باره او اظهار عنایت نمودند صحبت
 دشمن او را بفارسی تمجید فرمودند و ایشان را امر بخواندن و یاد کردن اشعار جمال مبارک
 کردند و وعده تائید و ترقی دادند و فرمودند: من عربی را تحصیل کرده‌ام و وقتی تفضل بودم
 کتابی از مناجاتهای حضرت باب را بخط جمال مبارک داشتم و خیلی خواندن آن اشائق بودم
 شبها که بیدار میشدم برمیخوایتم میخواندم و از شدت طلب اشتیاق می‌گیرتم تا آنکه دیدم بی
 را خوبت فهم دوستان قدیم بخوبی میدانند که من تحصیل کرده‌ام اما گفتن و نوشتن عربی را از
 فصیحی عرب بهتر میدانم امید دارم تو در فارسی خیلی ترقی نمائی ان شب شام مبارک رسید و
 مادام در بیوس باری طبع ایرانی مرغ و پلو فرستاده بودند

روز ۱۳ جمادی الآخره ۲۰۰۰ (ای) صبح پس از ترتیل و تلاوت چند مناجات از مناجاتهای
 قلم اعلی فرمودند: در هیچ حالتی مثل حالت مناجات نیست قلوب صافی را آنجذب نماید و نفوس
 مقدسه را انتباه و ردعایت عجیبی بخشد پس از آن چون مجمع عمومی هتیا و بزم تقابرا باشد نظر
 بسوال یکی از حضار رنطق مبارک در خصوص رحبت و نزول مسیح از آسمان بود و تفسیر آیات
 انجیل یوحنا و بیان اصطلاحات انجیل که حضرت مسیح با آنکه از بطن مریم بود فرمود من از آسمان

آمد و ام و چون مس نو بلاک مشرف شد بسیار باره او و خواهرش اظهار غنا یا فرمودند
 که "خدا شمارا از امریکا مبعوث کرد که در آلمانیا سبب افتخار امرالله شدیدی خلی خدمت کردی
 بخوابرت نوشتیم که از استنکارت بساژ بلاد آلمان برای تبلیغ امر سفر نماید خدا اورا نماید میکند
 حقیقاً خلی مورد عنایت بود و مقمّر از اینکه خواهرش در تبلیغ امرالله موید است و خود را امداد
 مالی و ادای مصارف سفر او سر فر از عصر از روز باز در منزل مبارک جمعی منعقد و عنوان نطق مبارک
 این بود که "و اکثر نفوس مانند اطفالند با مور جزئیة مخزون یا سرد میشوند اما مور عظیمه اہمیت
 نمی دهند" و شرحی بسوط از کیفیت بدایت ظهور مسیح و اہمال غفلت خلق فرموده آخر مجلس وجہی خانم
 مس سندرین را باز تشویق بخواندن الواح و آیات فارسی می فرمودند بعد چند نفر از ایرانیان
 محترم حاضر محضر اطهر شده بیانات مفصله در مسائل عدیده و مطالب و حائیه از قم مبارک شنیدند
 چند آنکه مفتون گفتگو و مجذب خلق و نومی جان بخش گردیدند و در آخر بناست ذکر محصلین ایرانی
 که در اروپا تحصیل علوم مشغول فرمودند که "وقتی بنی اسرائیل در مدارس خود علوم مادیہ و دینیہ
 را با ہم تعلیم میدادند این سبب تربیت نفوس ذی فنون میشد لکن بعد در اہل ایمان علی الخصوص
 بین مسلمانان تعلیم در مدارس منحصر بمسائل و مباحث دینیہ شد آہنم منتهی ببحث الفاظ گردید
 و شرحی و مخصوص مدرسہ نظامی سابق بغداد و بیانی در خصوص مسلم و تحریر و عالم فرمودند
 کہ معلم را شخصی میدانستند کہ در جمیع فنون عصر خود ماہر و جامع باشد و نظیری نداشته باشد و
 تحریر را شخصی کہ در جمیع علوم عصر خود ماہر باشد و لو نظیر نداشته باشد و عالم را کسی کہ در یک یا دو
 علم ماہر باشد پس از تشکر و حضور و مرضی ایشان بمنزل مسیو و مادام در نفوس باری تشریف بردند

وازیجا سوارہ ہوا بولون وانروز در کال سکہ منگام مراجعت لمجن بیج طبعی مشغول مناجات بودند
و ناطق بشکر و ثنای مالک ملکوت اسما و صفات ۔

روز ۱۴ جمادی الآخرہ (۱۲۱۵ م) انروز در مجمع عمومی لفظی نفرمودند نفوس در اطلاق
مبارک احضار و بیان آثار و تعالیم ملک فخر میفرمودند یار و اغیار انروز از عنایات
خصوصی و شرف و سوال و جواب مخصوص شوق و ذوقی دیگر داشتند و ہمہ شاکر الطاف و
عنایات مبارکہ بودند و ذاکر و حامد مطلع فیوضات باقیہ از اہل کلمہ یکی از اہالی امریکا کہ از
شرف حضور بوجد و شور آردہ بود عرض می کرد چکنم کہ این تعالیم مبارکہ را بتوانم عمل نمایم عیوبتا
نہ بینم و حالت تحمل داشته باشم فرمودند ہمیشہ منت حال خود باش بہ بین چه نقصی داری
کوشش نما تا آن را اصلاح کنی چشم انسان ہم کور است و ہم ذرہ بین ۔ کور است از دیدن نقائص
خود بنا و دور بین است در خطای دیگران (بعضی میفرمودند) شما در سکران باشید کہ
روحانی گردید از عنایات حضرت بھشتا بھرہ و نصیب برید و شکر کنید خدا را کہ در عصر
بھشتا زندگانی می کنید و از فیوضات او استفادہ مینمائید (بغوسی دیگری فرمودند)
مقام شما مقام رفیعی است کہ در این ایام بافق حقیقت توجہ نمودید بعد ما نفوس بسیاری مؤمن
خوبندند ولی کسانی کہ در بدایت ظهور حق را شناختہ اند سعادت ابدی دارند زیرا در یوم
امتحان ایمان و اطمینان حاصل نموده اند در ظهور مسیح تاج خاں بر سر آنحضرت گذاردند اما
امروز ملیونہا مجتہدہ اورا با تاج طلا میسازند و ستایش می کنند با آنکہ در ایام حیاتش ابدًا
با و عنایتی نداشتند انہی نامار را منزل مسیود و مادام در نفوس بارنی تناول فرمودہ از انجا

بدیدن ورقه مبارکه که بجل حفظ اقصیٰ نثر شریف بردند و پس از آن نظر بر جای دوستان بکپانی
 از برای اتمام صفحه های فنو غراف نثر شریف فرماده در چند صفحه صورت بیانات و صورت مبارک
 را برداشتند روز ۱۵ جمادی الآخرة (۱۲۲۲ م) پس از آنکه جای
 میل فرمودند بمنزل نثر شریف بردند آن شخص محترم نهایت تعظیم و خضوع را در
 ساحت اقدس اظهار داشت حتی لدی الورد دست مبارک را بوسه داد و بیان افتخار
 نمود که از ایران چنین امر عظیمی که سبب سرفرازی مشرقیان علی الخصوص ایرانیانست ظاهر شده
 و در مخصوص حکایاتی بعرض مبارک رسانید منجمه ذکر نمود که در یکی از مجامع مهمه لندن که حاضرین
 همه از اعیان دورد های انگلستان بودند خانم بسیا مجلده فی نزدیک من نشسته بود دیدم انگشته
 عقیقی در دست دارد خیلی تعجب کردم که این لیدی باین جلالت نشان و اینهمه زور و زینت جواهر
 و طلا چرا این انگشته عقیق کم بها در دست نموده آخر چون سبب پرسیدم در صورت من نگاهی
 کرد و خندید انوقت جواب داد که این انگشته نزد من عزیزترین جواهرات و زینتهای منیاست
 بیشتر تعجب کردم گفتم برای چه گفت مگر شما ایرانی نیستید نمی شناسید که برین بگین نام حضرت بهت است
 نقش شده و داشتن آن سبب افتخار من است از حالت آن خانم محترمه که باشم حضرت
 بجهت آتش با بندرجه اظهار افتخار و خضوع می نمود من بسیا منقلب شرمسار شدم که چرا از این امر
 عظیمی که مایه فخر و مباهات ملت و مملکت ایران است من بیخبرم در حالتیکه چنین شخص خاص خلیه این
 امر را بزرگی یاد می کنند چرا من در حقد و عناد باشم رفیب دور تو گردید من نکندیم باید تو
 کردم که غیرت از دین است با جمله آثار تعظیم و خضوعی از آن وجود علیل ظهور رسید که بی نهایت

در محضر انور مورد احسان و عنایت گردید اما بیات مبارکه در آن محفل اقول شرمی در وحدت
 اصول ادیان الهیه بود و نشر امر الله در بلا و امریکا از اجای امریکه جو یا شدند فرمودند
 از هر قبیل بستند نفوس بیانی خالصند که مؤمن به جمع ادیان و موقن بحقیقت اسلامند کسانی هستند
 که این امر را مرکز صلح و صلاح و حضرت بجهت آتش شمع کالی میدانند و بسیاری فقط محبت و دوستی
 با اهل بجا دارند از هر قبیل بسیارند پس بیانی مشروح از تاریخ امر بدیع و شهادت شهداء
 و جواب اعتراض معترضین در آن مخصوص فرمودند که میگویند مقصود انبیا از ادعای ریاست
 حکومت بوده بآنکه اساس امر الله ادعای مطابقت مقصدت کلی منافی آسایش و راحت و عشرت
 بوده تا چه رسد بخيال ریاست حضرت بجهت آتش خطاب بنا صراط النبی صراط ما ید من اناس
 من قال انه اراد الدنيا بعد ان ذی ما وجدت فی ایتامی مقرا من علی قدیرا صنع ربی علیه کنت
 فیکل الاحیان فی غمرات البلاء آتی ما اطلع علیها احد انا الله انه کان علی ما اقول شعیدا
 و الذی لایری نفسه بحیاة فی اقل من آن بل یرید الدنیا و فیما عجبنا من الذین یقولون یا هو اعظم
 سوف یسلون عما قالوا یومئذ لایجدون لانفسهم ناصرا ولا معینا و علاوه ازین خطرات بلایا
 اثرات و نتائج امر مطابقت کلمه الله و دلیل بر صدق مدعا و جانفشانی آن هیاکل مقدسه بجهت تربیت
 نفوس بشریه بوده حضرت مسیح می فرماید ایشان از اثر ایشان بناسید پیچ درخت تلخ میوه شیرین
 یا درخت شیرین میوه تلخ خواهد داد ذات ما یافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش
 شخصی که خود صادق نباشد و جزانیت و غرض ذاتی پیچ قصد تربیت مرتقی نوع انسانی نباشد
 و جانفشانی سبیل الهی نگرود چگونه نعتی را از حسیض ذلت با وج عزت و سعادت سازد و نفوذ

کلمه ضیبه اش در قرون عدیده سبب تبدیل خلاق و زمین صفات و تعدیل انوار و اتحاد امم مختلفه
 گردد مدعی و طالب دنیا از بلا یا و تعدیات مل متحاجمه در حال مغلوبیت کبری بکلی مقاصد
 محو و نابود شود بجز دموستار دانش فوت گردد و شجره آهانش از بیخ دین کنده شود بعکس
 یکی از معجزات کلمه الله و آیات باهره بدعیان من عند الله نیست که با وجود ظلم اعدا قتل و
 زجر و بلا روز بروز امرشان نافذ تر شود ذلت سبب عزت گردد اسارت و حبس حکم آزادی
 و نجات یابد ملاحظه نمودید در ایران چه بلا یا و مصائب شدید فی این امر وارد شد
 ایرانیان چنان گمان کردند که این امر اساس بشریت و بعضی تعرضات دولت و ملت استحقاق
 قلوب فکرش محو و فراموش خواهد شد نفهمید که تعرض و بلا قتل نفوس و شهادت عظمی مزید نفوذ
 امر الله و اعلا کلمه الله خواهد گشت لذا بر قدر خواستند این سرچ الهمی را فراموش کنند
 روشن تر شد اگر در امریکا یا بلاد اروپا تعرض می نمودند یا مرصس می کردند یا بصلیب میزدند
 اهبسته نفوذ این امر شدید تر میشد پس کیفیت ظهور مطایر مقدسه بانفوس یا است طلب بکلی
 بعکس است و بهیچ وجه مشابهت بکدی ندارند و در عالم وجود نفوذ امر الله و توه کلمه الله
 را نظیر و عدلی نه تا باری ان روز هیچ شکل اقدس خسته بودند چون مراجعت فرمودند
 مجمع نطقی نمودند بلکه مجتنب و نفوس طالبین را بتدریج در اوطاق مبارک لطف و عنایت میفرمودند
 و ترغیب تحصیل فنسائل عالم انسانی و پیام بشره نغمات الهی میکردند عصر جمعی از نفوس حلیله
 در استان مبارک حاضر و مشرف پس از اظهار عنایت فرمودند من وعده کرده ام باقی
 پر دم شما منزل خودتان است بمانید با حضرات مشغول صحبت شوید من مجبورستم لهذا حرکت

فرموده بر حسب اطلاع و وعده بدیدن خانم محترمه سحری شریف بردند و بسیار لججی فرمودند
 و آن امه اش در حال بیماری از دیدار جمال بیثال نشاط و سروری تازه یافت و چون مرا
 فرمودند نگارنده روزنامه کربین کامن ولث تاشب شرف و با سماع و تحریر بیانات مبارکه
 مسرور و مفتخر بود
 روزه جمادی الآخرة (۲۳ مای) بحساب ششمی

و تاریخ اروپائی یوم مولود طلعت نور عبه لجهت حضرت نقطه اولی روح الوجود لوجود هما
 بعد آ بود از اول صبح تاشب اجا و دوستان با دسته نامی گل تبریک گویان بست
 اظم شرف می شدند و اظهار نشاط و انبساط تمام میکردند که امروز روز بزرگیت و یوم تولد
 مبارک و بعثت حضرت علی است میفرمودند در بی ام روز چون روز بعثت حضرت و یوم طلوع
 نیز شارت بکبری است لذا بسیار است دیگر تصادفاً مود من هم در این روز واقع شده
 نطق و بیان مبارک در مجمع و مخصوص ایام عبه اد و بیانات جمال ابھی در باره مدینه و بهرا
 بود و شرحی از تعالیم مقدسه در مسئله اقتصاد و عصر مسیود مادام ریشارد در باره مسیح
 حکایاتی که در نخل نیت بیان می فرمودند و بمناسبت شرف اطفال از زباناتی در خصوص
 تربیت اطفال فرمودند که کمال انسان در نیت که بقدر وسع اولاد فقراد اطفال سائین را
 هم تربیت نماید و آنها را مانند اولاد و اطفال خود داند و ابداً فرقی در میان نبیند بلکه
 هر طفلی هوشیار تر است او را بیشتر خدمت و تربیت نماید تا مصدر کمالات و ترویج فضائل
 عالم انسانی گردد اگر انسان نهما طفل خود را تربیت نماید هر چند این عمل سرور است جادو
 عنایات رب غفور ولی هر کس بالطبع این کار را مائل در اغلب است پس تمیاز و افتخار و خیرخواهی

عالم انسانی در تربیت اطفال بکس و اولاد فقرا و ضعفا است که انگونه اطفال همیشه ممنون و تشکر
آن مردمان خیر خواه شوند و بیشتر خوشنود و قدردان گردند بعکس اطفالی که خود را وارث و
مستحق میدانند و پدر و مادر را مجبور بر تربیت خویش می بینند چندان قدر نمی دهند و چنان
حریف و تسلیم و ممنون مرتبی نمی شوند که سایر اطفال بی پرستاری می شوند و این حالت در غلب
مشهور است خوشحال بجمال نفوس مبارک که بی که بر این خدمت موفق و مؤیدند و در عالم وجود با آواز
این وظیفه عال انتمی و دیگر آن روز نظر بهیل بعضی از دوستان بنمایشگاه گلها شریف برآید
و آن نمایش بود که هر سال در اکثر بلاد اروپا مخصوص در فرانسه آن نمایشگاه بعبارة اخری
چشم کل را بتیاس سازند در اینجا گلهای زیاد بسیار از هر نوع با حسن طراز موجود و مرتب از هر طرفی
جلوه های گل سبب نصارت و بشارت و جوه کل بود و در هر گوشه ای نون و طراوتی و عطرد و طافتی
و مایه شوق و شور جمعی می گشت چون روز عید سعید می بود و از حسن اتفاق آن بساط نزدیسا
و سرور اجبای مشتاق شد و سبب زیاد جذب و شور محبان طلعت مشتاق گو یا آن جشن جدید
مخصوص این عید سعید بود و جمیع اشیا از شوق روی دلر با نعمه تبریک میسر و دند شب نیم
عیش و نوش و محفل با جوش و خروش و بخت تهنیت عید در منزل میو و مادام در نفوس باری بر پا بود
پس از تلاوت آیات عید و نطقهای میو در نفوس و مادام بر مار و خطاب بی غزاه در طلوع
تیر بشارت عظمی و سطوع جمال علی ادا فرمود بعد از صرف بستنی و شربت و شیرینی با نهایت مسرت
و نشاط روحانی آن مجلس مبارک ختم شد

روز ۱۷ جمادی الآخره

(۲۴ مای) مکرافات تهنیت تبریک مخصوص مبارک از مجامع خبای امریکا و اروپا پی در پی

میرسید و سبب نشاط قلوب وستان و بندگان آستان بشد از وز هم نفوس یک یک
دو دو و در اوقات مبارک به تشریف خصوصی و عنایات مخصوصه فائز و مشرف چون بعضی از
دوستان و ائالی امریکا مشرف شدند از حکومت و وزارت امریک و نجابت ملت آنجا اظهار
رضایت و مسترت می فرمودند که همه استعداد صلح و یگانگی دارند اما بعضی از ایرانیها میفرمودند
که «اهل ایران از عظمت و شرافت این امر غافل ماندند قدرند استند با آنکه تخریب شده بود که
از بادیه عرب چون امر الله ظاهر شد ارض با بس و خاک سیاه را مطاف امر نمود باز
عبرت گرفتند از این قبیل هر جمعی از خطابی مخاطب و بعضی با بیانی متذکر میفرمودند عصر از روز
بمنزل رشید پاشا و دیدن بعضی از محرمین ایران شریف برودند و شب بخت از طرف سرکار
..... با تلفون وقت و اجازه تشریف خواستند جمعی با ایشان بساحت نور اطهر رسیدند
از جمله سوالات هم ائشان این بود که می گویند محمد رسول الله قتل و نهب نفوس و اموال نمود
و سر راه قافله میرفت چگونه این اعتراضات را با جوابی بهم دلائل و بیاناتی مفصل و تواریخ
و حکایاتی مشروح از فم اطهر صادر و جاری شد که جمیع را قانع و شاکر نمود و اجمال بعضی از
بیانات مبارکه در این خصوص این بود که باید پی بجایق مسائل برد، بیج میدانید که در چه وقت
و زمان ما بین چه قبائل و احزابی حضرت رسول مبعوث شدند؟ آن زمان زمانی بود که قبیلہ های
عرب نهایت افتخار شان قتل و غارت و تعدی بر عرض و ناموس یکدیگر بود چون آنحضرت
بجهت تربیت آن نفوس متوحشه و تعدیل اخلاق و اطوار و رسومات جاہلیتہ مبعوث شدند از
بدایت بعثت تا زمان هجرت (تاریخ اسلام مفصلاً بیان فرمودند که) بعد از آن تحولات و صعوبات

و صدقات شدیدة باز از حزاب متوحشه اموال آنحضرت و اصحاب با مباح و نیکشان با واجب می گفتند
 ابوسفیان جمع اموال را غارت کرد در مسجد قلع و قمع اسلام و اهل میان برآمد بدو جهت اصحاب مضطر
 بودند که در مدینه بجهت فرمازندگانی و گذران می کردند و از جهت دیگر بدتر ازین عسرت و سختی
 اساس اسلام و خطرات عظیمه بود در چنان وقتی قافلہ فی منسوب ابوسفیان عبور نمود اصحاب هم
 تا چار بتلافی و دفع احتیاج برخاستند و جلو قافلہ رفتند حال صرف نظر از مقتضیات انصاف نمایدیم
 اگر امروز نسبت بشما چنین تعذیاتی بشود که محتاج بقوت لایوت باشید و علاوه بر بنید چنان
 مقصد عزیزی که اساس رفع و دفع تعذیاتیست و مایه تخمین خلاق و صفات بگلی پایمال شود
 آیا چه خواهید نمود؟ همه گفتند چاره بی جزمقاومت و معافی نیست پس شرمی در مقدمه
 حضرت خندق و عهد شکنی و اتفاق قبائل در محمود و انحلال حضرت مدافع و محافظه اسلام فرمودند
 که حفظ امر جز بانچه واقع شد ممکن نبود و امروز از همان نفوس متهمه و عقلای اروپائیان
 که اینگونه اعتراضات از ایشان سرایت بشرقیان نموده چون سوال شود که اگر شما در این زمان
 که عصر مدنیست در سلکت خود یا در جوار وطن خویش چنان قبائل متوحشه و تعذیاتی فاشه می
 بیاید با آنها چه گونه معامله خواهید نمود؟ چه جواب خواهند داد! آیا خواهند گفت وظیفه
 ما بمقتضای تربیت یا سیاست دفع تعدی و شرارت آنها نسبت بیکدیگر است بهر وسیله باشد
 یا ساکت و صامت نشستن و آنان را بحال خود و گذاردن اولی در صورتیکه امروز عظیم
 عنوان مدافع دول قاهره متهمه در ممالک ساثره همین است که با وجود تمدن و توانائی
 سلکت و ترقی را در حالت هیچ و مرج دیدن و آرام نشستن و دراز عدالت و خارج از وظیفه این تمدن